

کتاب دانیال - شماره یکصد و سی و یک

رونمایی از بافته پیشگویانه: پیوند دادن نقطه‌ها از مکاشفه تا واقعیت‌های کنونی

Jeff Pippenger

2024-03-12

در مقالات پیشین نشان دادیم که پیروان میلر دریافته بودند که آنان در حال تحقق بخشیدن به مثل ده باکره، باب دوم حبقوق و باب دوازدهم حزقیال، آیات ۲۱ تا ۲۸ هستند. آیات حزقیال بیان می‌کنند که وقتی این سه بخش نبوی در روزهای آخر به طور کامل تحقق یابند، «اثر هر رؤیا» تحقق خواهد یافت. خواهر وایت نیز به این پدیده پرداخته است.

در کتاب مکاشفه، همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌پیوندند و خاتمه می‌یابند. در این جا مکمل کتاب دانیال است. یکی نبوت است؛ دیگری مکاشفه. کتابی که مهر و موم شده بود، مکاشفه نیست، بلکه آن بخش از نبوت دانیال است که به ایام آخر مربوط می‌شود. فرشته فرمان داد: «اما تو، ای دانیال، سخنان را پنهان دار و کتاب را مهر و موم کن تا زمان پایان.» دانیال ۴:۱۲. اعمال رسولان، ۵۸۵.

مثل ده باکره عیناً در زمان مهر و موم یکصد و چهل و چهار هزار نفر تکرار می‌شود؛ زمانی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و هنگامی پایان می‌یابد که در بر باکره‌های نادان در قانون قریب‌الوقوع یکشنبه بسته شود. در آن برهه از تاریخ، اثر هر رؤیایی که در «همه کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند» نمایان شده است.

در مقاله پیشین در حال بنا کردن بنیانی برای فهم بودیم تا خط بیرونی تاریخی را که در آیه چهارم دانیال باب یازدهم نمایانده شده، بیان کنیم؛ خطی که تاریخ سیاسی شاخ جمهوریت وحش زمین را نشان می‌دهد. آن تاریخ به موازات تاریخ مذهبی شاخ پروتستان حقیقی وحش زمین پیش می‌رود. ما چند خط نبوی را که به شاخ جمهوریت وحش زمین می‌پردازند شناسایی کرده‌ایم و آن خطوط را بر تاریخ نبوی‌ای که در وقت آخر در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، منطبق می‌کنیم.

دوره زمانی پیشگویی شده وحش زمین که در سال ۱۷۷۶ آغاز شد و در وقت پایان در سال ۱۷۹۸ خاتمه یافت، همان خطی است که قصد داریم در تلاشی برای کنار هم آوردن همه خطوطی که اکنون اثر خود را می‌گذارند، به کار بگیریم. دوره ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ مهر آلفا و امگا را بر خود دارد، زیرا با اقدامی قانون‌گذاری آغاز می‌شود و با اقدامی قانون‌گذاری پایان می‌یابد؛ یعنی سخن گفتن یک ملت.

"گفتار ملت، عمل مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن است." مناقشه بزرگ، ۴۴۳.

یکی از ویژگی‌های اصلی وحش زمین سخن گفتن آن است. قانون اساسی ایالات متحده سندی الهی بود که درهای آزادی مذهبی و سیاسی را گشود و بدین‌سان «سیلاب» آزار و اذیتی را که قرن‌ها از سوی پادشاهان اروپا و کلیسای کاتولیک ادامه یافته بود، بلعید.

و مار از دهان خود آبی چون سیلاب در پی زن بیرون ریخت تا سیلاب او را با خود ببرد. و زمین زن را یاری کرد، و زمین دهان خود را گشود و آن سیلاب را که از دهان خود بیرون انداخته بود فرو برد. مکاشفه ۱۵:۱۲، ۱۶.

در پایان دوران حکومت وحش زمین به‌عنوان ششمین پادشاهی پیشگویی‌های کتاب مقدس، بار دیگر سخن خواهد گفت؛ اما آنگاه همچون ازدها سخن خواهد گفت، با اجرای اجباری قانون یکشنبه.

و دیدم وحش دیگری که از زمین برمی‌آمد؛ و دو شاخ مانند بره داشت و مانند اژدها سخن می‌گفت. مکاشفه ۱۱:۱۳.

وحش زمین در سال ۱۷۹۸ به‌عنوان ششمین پادشاهی آغاز شد، هنگامی که قدرت از پاپیت سلب شد.

"و چون دستگاه پاپی، که از قدرت خود تهی شده بود، ناگزیر شد از آزار و اذیت دست بکشد، یوحنا دید که قدرتی نو سر برآورد تا پژواک صدای اژدها باشد و همان کار ظالمانه و کفرآمیز را ادامه دهد. این قدرت، آخرین قدرتی که قرار است بر ضد کلیسا و شریعت خدا جنگ کند، نمادش وحشی‌ای با شاخ‌های بره‌گون بود." نشانه‌های زمانه، ۱ نوامبر ۱۸۹۹.

در سال ۱۷۹۸، وقتی پاپیت دچار زخم مهلک شد، ایالات متحده سخن گفت؛ و همان‌گونه که همیشه در مورد آلفا و اومگا صادق است، سخن گفتن در آغاز، پیش‌درآمدی برای سخن گفتن در پایان بود. قوانین «بیگانگان و فتنه‌انگیزی» در سال ۱۷۹۸ به تصویب رسید و پیش‌درآمد قوانینی شد که در پایان به اجرا می‌رسند و به مهاجرت غیرقانونی و رسانه‌ها می‌پردازند.

دوره‌ای که از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ مد نظر داریم، نشانه آلفا و امگا را بر خود دارد؛ زیرا در آغاز، «سخن گفتن» اعلامیه استقلال را مشخص می‌کند که نمونه قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی ۱۷۹۸ است. در میانه آن دوره، قانون اساسی ایالات متحده قرار دارد. این دوره تصویری نبوی از حکومت وحش زمین به دست می‌دهد، زیرا با سخن گفتن چون بره آغاز می‌شود، اما با قانون‌گذاری نمایانگر اژدها پایان می‌یابد. اما همان‌گونه که غالباً رخ می‌دهد، آغاز و پایان یک چیز با اضداد هم‌راستا می‌شوند. نخستین نشان راه دوره در آخرین نشان راه بازنمایی می‌شود، و نشان راه میانی قانون اساسی ایالات متحده بود که به تصویب سیزده ایالت رسید. واژه عبری «حقیقت» از نخستین حرف، سپس سیزدهمین حرف، و سپس آخرین حرف الفبای عبری ساخته شده است.

دوره‌ای که اکنون بررسی می‌کنیم مهر «اول و آخر»، که «حقیقت» است، را بر خود دارد. این دوره نمایانگر دوره‌ای است که به آغاز سلطنت «وحش زمین» به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس می‌انجامد، و از این‌رو نمایانگر دوره‌ای است که به پایان سلطنت «وحش زمین» به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس می‌انجامد. آن دوره در «زمان پایان» در سال ۱۹۸۹ آغاز شد. ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ باید بر بازه ۱۹۸۹ تا قانون قریب‌الوقوع یکشنبه منطبق گردد، هنگامی که «وحش زمین» چون اژدها سخن می‌گوید، چنان‌که با «قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی» نمایانده شده است.

ارزش دارد حقیقت نبوتی دیگری را وارد مطالعه‌مان کنیم. آن حقیقت، به منزله یک نماد، عنصری از «وقت آخر» است که اغلب نادیده گرفته می‌شود. ادونتیسیم لاودیقیه‌ای ممکن است به‌خوبی بداند که ۱۷۹۸ «وقت آخر» بود، اما فهم آنان عموماً همان‌جا پایان می‌یابد، زیرا هیچ تصویری ندارند که هر خط اصلاح با دیگر خطوط موازی است. هر خط اصلاح از «وقت آخر» آغاز می‌شود.

موسی نمونه‌ای از مسیح بود، و خود موسی این حقیقت را به‌صراحت بیان کرد، و پطرس نیز آن را در کتاب اعمال رسولان تأیید کرد.

خداوند، خدای تو، پیامبری مانند من از میان تو، از برادرانت، برای تو خواهد برانگیخت؛ به او گوش دهید. تثیبه ۱۵:۱۸.

عیسی می‌بایست «همچون» موسی باشد.

و اکنون، ای برادران، می‌دانم که از روی نادانی این کار را کردید، چنان‌که حاکمان شما نیز چنین کردند. اما آنچه خدا از پیش به زبان همه پیامبران خود اعلام کرده بود، یعنی اینکه مسیح باید رنج بکشد، همان را تحقق بخشید. پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما زوده شود، به

هنگام فرا رسیدن زمان‌های تازگی از حضور خداوند؛ و او عیسی مسیح را که پیش‌تر به شما موعظه شده بود خواهد فرستاد؛ او را که آسمان باید تا زمان بازگردانی همه چیز در خود نگاه دارد؛ چنان‌که خدا از آغاز جهان به زبان همه پیامبران مقدس خود گفته است. زیرا موسی به راستی به پدران گفت: «خداوند، خدای شما، برای شما از میان برادرانتان پیامبری مانند من برخواید انگیخت؛ به او در هر آنچه به شما بگوید گوش فرا خواهید داد.» و چنین خواهد شد که هر نفسی که آن پیامبر را نشنود، از میان قوم نابود خواهد شد. بلی، و همه پیامبران از سموئیل و آنان که پس از او آمدند، هر که سخن گفته است، نیز از این روزها پیشگویی کرده‌اند. اعمال رسولان 24-3:17.

در تاریخ موسی، زمان پایان تولد او بود و آن نمونه‌ای از تولد مسیح به شمار می‌آید. در هنگام تولد هر دو، مسیح و موسی، افزایش معرفتی رخ داد که آن نسل را می‌آزمود. آگاهی از تولد هر دوی آنان، هم قدرت اژدهایی مصر و هم قدرت اژدهایی روم را برانگیخت تا بکوشند موعودان نبوت را بکشند. چوپانان بر تپه‌ها و حکیمان از مشرق نمایندگان کسانی‌اند که افزایش معرفت در زمان پایان را درک کردند.

آنچه اغلب نادیده می‌ماند این است که در زمان آخر دو نشانه راه وجود دارد. نه فقط موسی به دنیا آمد، بلکه سه سال پیش از او برادرش هارون به دنیا آمده بود. شش ماه پیش از تولد مسیح، خویشاوندش یحیی به دنیا آمد. سال 1798 را معمولاً به‌عنوان «زمان آخر» می‌شناسند، و در 1798 آن وحش (دستگاه سیاسی) که «فاحشه» در طول اعصار تاریک بر آن سوار بود کشته شد، و یک سال بعد «زن»ی که بر آن وحش سوار شده بود نیز از میان رفت.

در سال ۱۹۸۹ دو رئیس‌جمهور بر سر کار بودند. ریگان تا مراسم تحلیف در سال ۱۹۸۹ بر سر کار بود و سپس بوش اول دوران ریاست‌جمهوری خود را آغاز کرد. پایان هزار و دویست و شصت سال با هفتاد سال اسارت در بابل به‌صورت نمادین نشان داده شده بود، و هنگامی که ژنرال کوروش، برادرزاده داریوش، در شب ضیافت بلشاصر را کشت، داریوش پادشاه واقعی بود. داریوش و کوروش نمایانگر دو نشانه راه آن زمان پایان‌اند.

روابط نبوی میان موسی و هارون، یوحنا و عیسی، داریوش و کوروش، پاپیت و پاپ، و ریگان و بوش، اگر با روش‌شناسی درست بررسی شوند، همگی سرچشمه‌های نور نبوی‌اند. آنچه در اینجا بدان اشاره می‌کنیم این است که یوحنا، پسرخاله عیسی، همان صدایی در بیابان بود که پیش‌نمونه‌اش هارون، برادر موسی، بود؛ هارونی که برای دیدار موسی به بیابان رفت تا سخنگوی او باشد.

در دوره سی‌ساله پیش از مسح مسیح، و نیز در سی سال پیش از آمدن ضد مسیح، نشانه راهی وجود دارد که یک «صدا» را مشخص می‌کند. برای مسیح، آن صدای یحیی بود که در بیابان فریاد می‌زد. در سال ۵۳۳، یوستینیان فرمانی صادر کرد که ضد مسیح را به‌عنوان اصلاح‌گر بدعت‌گذاران و رئیس کلیسا معرفی می‌کرد. فرمان یوستینیان همان «صدا»ی بود که زمینه را برای «فرمان» قانون یکشنبه در شورای اورلئان در سال ۵۳۸ فراهم کرد.

سپاه ژنرال کوروش ندایی بود که نشان می‌داد فتح بابل به دست داریوش قریب‌الوقوع است.

ظهور سپاه کوروش در برابر دیوارهای بابل برای یهودیان نشانه‌ای بود که رهایی آنان از اسارت نزدیک می‌شود. بیش از یک سده پیش از تولد کوروش، الهام او را به نام یاد کرده و سبب شده بود که شرح کارهایی که او باید در گشودن غافلگیرانه شهر بابل و در آماده‌سازی راه برای رهایی تبعیدیان انجام دهد، به ثبت برسد. از زبان اشعیا این کلام گفته شده بود:

«خداوند به ممسوح خود، به کوروش، چنین می‌گوید: دست راست او را گرفته‌ام تا ملت‌ها را پیش روی او مغلوب سازم؛ ... تا درهای دو لنگه را پیش روی او بگشایم و درها بسته نخواهد شد؛ من پیشاپیش تو خواهم رفت و جاهای ناهموار را هموار خواهم کرد؛ درهای برنجین را خرد خواهم کرد و میله‌های آهنین را خواهم برید؛ و گنجینه‌های نهفته در تاریکی و ثروت‌های نهانی مکان‌های پنهان را به تو خواهم داد تا بدانی که من، خداوند، که تو را به نامت می‌خوانم، خدای اسرائیل هستم.» اشعیا ۴۵:۱-۳. پیامبران و پادشاهان، ۵۵۱.

وقتی دریافته شود که «زمان پایان» نبوی به وسیله دو شاهد یا دو نشانه راه تثبیت می‌شود، همچنین می‌توان دریافت که یکی از آن دو نشانه راه بیانگر شناسایی، اعلان یا هشدار درباره تاریخ در شرف وقوع است. هارون، یوحنا، کوروش و ژوستینین نشانه راهی را نمایندگی می‌کنند که پیش از زمان پایان قرار دارد. زمان پایان در سال ۱۷۹۸، پایان دوره‌ای است که از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ امتداد دارد. نشانه راه میانه آن تاریخ، همان صدایی است که در بیابان برای تاریخ در شرف فرا رسیدن فریاد برمی‌آورد. آن تاریخ با انتشار اثری که حکومت دیکتاتوری پادشاه یا پاپ را رد می‌کرد آغاز شد، و با انتشار اثری که نمایانگر سرشت یک دیکتاتور بود پایان یافت. اثری که در میانه منتشر شد، نمایانگر «هشدار» تاریخ در راه بود، و آن هشدار این بود که قانون اساسی ایالات متحده در پایان آن تاریخ ملغی خواهد شد.

آن خط سیر تاریخی در سال ۱۹۸۹ آغاز به تکرار شدن کرد و در قانون یکشنبه پایان می‌یابد، هنگامی که هشدار از بیابان، که دوپست سال پیش‌تر در ۱۷۸۹ داده شد، رد می‌شود. ۱۹۸۹ وقت آخر در پایان آیه چهل بود و با وقت آخر ۱۷۹۸ منطبق است. ۱۹۸۹ با ۱۷۷۶ هم‌راستا است و قانون یکشنبه نمایانگر ۱۷۹۸ است. در میانه آن تاریخ، جایی که اثر هر رؤیا به انجام می‌رسد، تاریخی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و تا هشدار ۱۷۸۹ ادامه می‌یابد، به تحقق می‌رسد و قانون اساسی ملغی می‌شود. باید در میانه یک نشان راه باشد، زیرا خدا هرگز تغییر نمی‌کند. آن نشان راه نمایانگر هشدار برای تاریخ نبوی است که با قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد آغاز می‌شود.

سال ۱۹۸۹ در آیه چهل زمان پایان را مشخص می‌کند که به قانون یکشنبه در آیه چهلویک منتهی می‌شود. پیام هشداردهنده‌ای که پس از زمان پایان، اما پیش از قانون یکشنبه رسید، در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بود. این پیام هشدار می‌دهد که در پایان آن دوره تاریخی، وای سوم که در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید و بلافاصله مهار شد، بار دیگر به طور غیرمنتظره ضربه خواهد زد و هزاران شهر نابود خواهند شد. وقتی آن ویرانی فرا برسد، شیطان کار شگفت‌انگیز خود را آغاز خواهد کرد و آن کار با قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع آغاز خواهد شد.

ای کاش قوم خدا درکی از ویرانی قریب‌الوقوع هزاران شهر، که اکنون تقریباً به بت‌پرستی سپرده شده‌اند، داشتند! اما بسیاری از کسانی که باید حقیقت را اعلام کنند، برادران خویش را متهم و محکوم می‌کنند. وقتی قدرت دگرگون‌ساز خدا بر اذهان نازل شود، دگرگونی قاطعی رخ خواهد داد. مردم دیگر میلی به انتقاد و تخریب نخواهند داشت. در موضعی نخواهند ایستاد که مانع تابش نور به جهان شود. انتقادات و اتهام‌زنی‌هایشان پایان خواهد یافت. قوای دشمن برای نبرد بسیج می‌شوند. درگیری‌های سختی پیش روست. به هم نزدیک شوید، ای برادران و خواهران من، به هم نزدیک شوید. با مسیح پیوند یابید. "نگوید: هم‌پیمانی است ... و از ترس آنان مترسید و بیمناک نشوید. خود خداوند لشکرها را تقدیس کنید؛ او ترس شما و هراس شما باشد. و او برای شما مقدسگاهی خواهد بود؛ اما برای هر دو خاندان اسرائیل سنگی لغزش‌آور و صخره‌ای مایه افتادن، و برای ساکنان اورشلیم دام و تله‌ای خواهد بود. و بسیاری از ایشان خواهند لغزید و خواهند افتاد و شکسته خواهند شد و به دام خواهند افتاد و گرفتار خواهند گشت."

دنیا صحنه نمایش است. بازیگران، یعنی ساکنان آن، در حال آماده شدن‌اند تا نقش خود را در آخرین نمایش بزرگ ایفا کنند. خدا از نظرها دور مانده است. در میان توده‌های عظیم بشر وحدتی

وجود ندارد، مگر آن که مردم برای تحقق مقاصد خودخواهانه خود با هم متحد شوند. خدا ناظر است. مقاصد او درباره بندگان یاغی‌اش تحقق خواهد یافت. جهان به دست انسان‌ها سپرده نشده است، هرچند خدا اجازه داده است عناصر آشفته‌گی و بی‌نظمی برای مدتی حاکم باشند. قدرتی از عالم زیرین در کار است تا آخرین صحنه‌های بزرگ این نمایش را پدید آورد—شیطان که چون مسیح می‌آید و با همه فریبندگی شرارت در کسانی عمل می‌کند که خود را در انجمن‌های مخفی به هم می‌پیوندند. آنان که در برابر اشتیاق هم‌پیمانی تسلیم می‌شوند، در حال به ثمر رساندن طرح‌های دشمن‌اند. اثر در پی علت خواهد آمد.

بی‌قانونی تقریباً به اوج خود رسیده است. آشفته‌گی جهان را فرا گرفته است و به زودی وحشتی عظیم بر انسان‌ها فرود خواهد آمد. پایان بسیار نزدیک است. ما که حقیقت را می‌شناسیم باید خود را برای آنچه به زودی چون غافلگیری درهم‌شکننده‌ای بر جهان فرود خواهد آمد آماده کنیم. ریویو اند هرالد، ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۳.

هشدار که اجرای قانون اساسی در سال ۱۷۸۹ نمونه‌ای از آن بود، هشدار فرشته سوم است، که به قادش دوم بازمی‌گردد، زمانی که مهر شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر آغاز می‌شود. آن هشدار، هشدار نخستین ندا در فصل هجدهم مکاشفه است، و نه تنها در آن زمان ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فروریختند، بلکه خود ماهیت قانون اساسی دگرگون شد. قانون اساسی بر پایه حقوق انگلستان تدوین شده بود که فلسفه بنیادینش را می‌توان به سادگی چنین تعریف کرد: "هر شخص بی‌گناه است، مگر آن که مجرم بودنش ثابت شود." قانون اساسی با هدف رد آنچه به نام حقوق رومی شناخته می‌شود تدوین شده بود که فلسفه بنیادینش را می‌توان به سادگی چنین تعریف کرد: "هر شخص مجرم است، مگر آن که بی‌گناهی‌اش ثابت شود."

هشدار که در سال ۱۷۸۹ از بیابان برخاست و در قانون اساسی نمایان شد، نمایانگر هشدار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است؛ و نه فقط شعله‌ور شدن ساختمان‌ها آن روز را با تحقق عینی آن هشدار در تاریخ ثبت کرد، بلکه تصویب قانون پاتریوت نیز نمایانگر همان هشدار بود.

قانون پاتریوت (قانون اتحاد و تقویت آمریکا از طریق فراهم آوردن ابزارهای مناسب لازم برای رهگیری و ممانعت از تروریسم، مصوب ۲۰۰۱) اندکی پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در کنگره ایالات متحده مطرح شد. این لایحه در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱ در مجلس نمایندگان و در ۲۴ اکتبر ۲۰۰۱ در سنا معرفی شد. این قانون در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱ به امضای رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش رسید. قانون پاتریوت با هدف تقویت توانایی دولت برای تحقیق و جلوگیری از اعمال تروریستی و گسترش اختیارات نظارتی و اجرای قانون تدوین شد، و اصل اساسی و بنیادین حقوق انگلیس را که اعلام می‌کند انسان بی‌گناه است مگر آنکه مجرم بودنش ثابت شود، رد می‌کرد. امروزه نیز توسط نخبگان درون دولت برای دور زدن رویه دادرسی قانونی، حریم خصوصی و محاکمه‌های عادلانه استفاده می‌شود.

ما این مطالعه را در مقاله‌ی بعدی‌مان ادامه خواهیم داد.

حال و روز ما در این زمان هولناک و پرابهت چیست؟ افسوس، چه غروری در کلیسا حاکم است، چه ریاکاری، چه فریب، چه دلبستگی به لباس، سبک‌سری و سرگرمی، چه میل به برتری! همه این گناهان ذهن را تیره کرده است تا آنجا که امور جاودانی شناخته نشده‌اند. آیا کتاب مقدس را نکاویم تا بدانیم در تاریخ این جهان کجا ایستاده‌ایم؟ آیا در باب کاری که در این زمان به‌خاطر ما در حال انجام است، و جایگاهی که ما به‌عنوان گناهکاران باید در هنگام پیشروی این کار کفاره اختیار کنیم، آگاه و بصیر نشویم؟ اگر اندک اعتنایی به نجات جان‌های خویش داریم، باید دگرگونی قاطعی پدید آوریم. باید با توبه‌ای راستین خداوند را بجوییم؛ باید با اندوهی ژرف در جان، گناهان خود را اعتراف کنیم تا زدوده شوند.

دیگر نباید بر زمین افسون زده بمانیم. ما با شتاب به پایان دوره مهلت خود نزدیک می‌شویم. بگذار هر نفسی بپرسد: در برابر خدا چه وضعی داریم؟ نمی‌دانیم چه زود ممکن است نام‌های ما بر زبان مسیح آید و حکم نهایی درباره ما صادر شود. این احکام چه خواهد بود، آه، چه خواهد بود! آیا در شمار صالحان به شمار خواهیم آمد، یا در زمره شریران شمرده خواهیم شد؟

کلیسا برخیزد و در حضور خدا از پس‌رفت‌ها و لغزش‌های خود توبه کند. دیده‌بانان بیدار شوند و شیپور را با صدایی مشخص به صدا درآورند. این هشدار معین است که باید اعلام کنیم. خدا به خادمان خود فرمان می‌دهد: «با صدای بلند فریاد بزن، دریغ مکن، صدایت را همچون شیپور بلند کن، و به قوم من تعدی‌شان و به خاندان یعقوب گناهانشان را نشان بده.» باید توجه مردم جلب شود؛ وگرنه هر تلاشی بیهوده است؛ حتی اگر فرشته‌ای از آسمان فرود آید و با آنان سخن بگوید، سخنانش بیش از آن سودی نخواهد داشت که گویی در گوش سرد مرگ سخن می‌گوید. کلیسا باید به عمل برخیزد. روح خدا تا وقتی که کلیسا راه را مهیا نکند هرگز نخواهد آمد. باید واریسی جدی دل صورت گیرد. باید دعاهایی متحد و پیگیر برپا شود، و از راه ایمان به وعده‌های خدا تمسک جسته شود. لازم نیست همچون روزگاران قدیم تن را با پلاس بپوشانیم، بلکه فروتنی ژرف جان لازم است. ما کوچک‌ترین دلیلی برای خودتبریکی و خودبزرگی بینی نداریم. باید زیر دست مقتدر خدا فروتن شویم. او ظاهر خواهد شد تا جویندگان راستین را تسلی دهد و برکت بخشد.

کار پیش روی ماست؛ آیا به آن خواهیم پرداخت؟ باید با شتاب کار کنیم، باید استوار و پیوسته پیش برویم. باید خود را برای روز عظیم خداوند آماده کنیم. وقت برای از دست دادن نداریم، وقت آن نداریم که در مقاصد خودخواهانه درگیر شویم. باید به جهان هشدار داد. ما به‌عنوان افراد چه می‌کنیم تا نور را به دیگران برسانیم؟ خدا به هر انسانی کاری سپرده است؛ هر کس نقشی برای ایفا کردن دارد، و جز با به خطر انداختن جان‌های خود نمی‌توانیم از این کار غفلت کنیم.

ای برادران من، آیا روح‌القدس را اندوهگین می‌کنید و باعث می‌شوید که برود؟ آیا به سبب آن که برای حضور او آماده نیستید، نجات‌دهنده مبارک را بیرون می‌رانید؟ آیا جان‌ها را وا می‌گذارید تا بی‌دانش حقیقت هلاک شوند، زیرا آسایش خود را آن قدر دوست دارید که نتوانید باری را که عیسی برای شما بر دوش کشید، تحمل کنید؟ بیا بیدار شویم. «هوشیار و بیدار باشید؛ زیرا دشمن شما، ابلیس، چون شیری غران، در گردش است و می‌جوید که چه کسی را بلعد.» ریویو اند هرالد، ۲۲ مارس ۱۸۸۷.